

پس انداز با پیاده روی

راه مدرسه اش دور بود. هم کلاسی هایش با ماشین می رفتند. آن موقع، روزی دوازده ریال پول توجیبی به او می دادیم تا بتواند هم خودش را اداره کند و هم به مدرسه برود. با این که پول کمی بود، اما این بچه، هیچ وقت شکایتی نداشت. مدتی گذشت. متوجه شدیم اسدالله، زودتر از ساعت همیشگی از خانه بیرون می رود و تا مدرسه، پیاده روی می کند. علت کارش را متوجه نشدیم تا این که یک روز خواهر کوچکش مریض شد. پول کافی برای دوا و درمانش در خانه نبود. وقتی اسدالله متوجه این موضوع شد، رفت و مقداری پول آورد و گفت: «این ها را برای روزی مثل امروز پس انداز کرده بودم.» طفلکی پیاده مدرسه می رفت تا همان دوازده ریال را هم پس انداز کند!

شادی روح شهید اسدالله کشمیری و سلامتی همه نوجوانانی که می خواهند مثل او باشند، صلوات.

